

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

مینو فتاحی؛

۰۵ می ۲۰۱۳

شب اول قبر

چند روزی بود که دخترم شب ادراری داشت. برایم عجیب بود چند سالی از آخرین شب ادراری اش می گذشت دلایل مختلف این مشکل را بررسی کردم. حتی آزمایش عفونت ادراری و عکس و سونوگرافی کلیه انجام شد.

اتفاق جدید و یا ناراحت کننده ای هم در خانه نیفتاده بود. به تدریج مشکلات روحی نیز شروع شد حرف زدن توی خواب، ترس از تنهائی، ترس از دست دادن من و پدرش و سؤالهای بیشمار او راجع به زندگی پس از مرگ و غیره حسابی وضع روحی اش را به هم زده بود. بالاخره علت مشخص شد.

شب اول قبر! او از شب اول قبر می ترسید. معلم تربیتی یک فلم راجع به ارتباط گناه و شب اول قبر در مدرسه نشان داده بود و از بچه ها خواسته بود فلم را مجدداً در خانه ببینند. اینبار به پیشنهاد دخترم فلم را با هم دیدیم داستان راجع به فردی بود که موقتاً می میرد و به دلیل گناهای که انجام داده است توسط (نکیر و منکر) مأموران بازجویی شب اول قبرمورد بازجویی قرار می گیرد. در مورد فلم باهم صحبت کردیم و سعی کردم شرایط روحی اش را تغییر دهم به تدریج اثر آن فلم مزخرف در ذهنش کمرنگ شد. اما تا مدتها از تنها خوابیدن می ترسید.

اتفاقی که برای دخترم افتاد هر روزه در جامعه اسلام زده به اشکال مختلف برای میلیونها کودک رخ می دهد. این آموزشها و باید و نبایدها از طریق تشویق و تنبیه و سایر ابزارها به روح و روان بچه ها تزریق می شود. یکی از نیازهای واقعی کودکان امنیت و آرامش است که توسط تعلیمات دینی تخریب می شود. کودکان همواره از موجوداتی تخیلی و ترسناک مانند شیطان، جن و خدا می ترسند و البته فرشته های خبر چین نیز دست کمی از آنها ندارند. کودک حتی در خصوصی ترین لحظه ها آزادی عمل ندارد. اگر چیزی را بدون اجازه بردارد، کاری خلاف اعتقادات مذهبی انجام دهد ثبت می شود. تا جایی که لمس بدنش چه به منظور شناخت در سنین پائین تر و یا خود ارضائی در دوره نوجوانی گناه محسوب می شود.

بچه ها مدام کنترل می شوند. رشد در محیط تاریک و خشن مذهبی مانع رشد آزاد و خلاقانه کودک می شود و آسیبهای جدی و غیر قابل جبرانی به کودکان می زند. آموزه های مذهبی اساساً مخالف هر گونه آزادی در عمل و رفتار است.

نداشتن اعتماد به نفس، عذاب وجدان و احساس گناه، خشونت، تعصب، و شخصیت مطیع و قانع که راضی به رضای خداست و... از عوارض اینگونه تعلیمات است. گاهی هم کودکان ظاهراً در درس موفق هستند و احتمالاً در آینده با مدارج علمی بالا از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند.

استاد دانشگاه، مهندس، جامعه شناس، فزیکدان، محقق، دکتر، هنرمند و... فزیکدانی که در خدمت تولید بمب هسته ای قرار می گیرد. محقق که کارش ارائه آمار و ارقام دروغین است. هنرمندی که فلم و سریال مذهبی و خرافی می سازد. مهندس عمرانی که زندان، بارگاه و امامزاده می سازد. مهندسی که در بخش اطلاعات و امنیت کار می کند و کارش شنود و ایجاد پارازیت و غیره است.

دکتری که به جای طبابت مجری اجرای قصاص است. وکلاء و قضاتی که به جای دفاع از حق از ظالم دفاع می کنند.

کم نیستند مأموران اطلاعاتی که در زمینه علوم اجتماعی مانند روانشناسی، جامعه شناسی و... تحصیلات دارند و از تخصص خود برای شکنجه و در هم شکستن روحیه زندانیان استفاده می کنند.

البته این به این معنی نیست که تمام این افراد همچنان مانند دوران کودکی و نوجوانی پایبند خزعبلات مذهبی و تفکرات ماقبل تاریخ هستند.

انسانها تحت تاثیر شرایط مختلف تغییر می کنند مطمئناً بسیاری این باورها را نقد می کنند و دور می ریزند ولی بعضیها همچنان گوسفند وار دنباله رو هستند.

اما دسته ای نیز هستند که می دانند تمام اینها دروغ است ولی به خاطر منافعشان و حفظ موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کسب قدرت دست به هر کاری می زنند. اما انسانیت اولین و مهمترین چیزی است که آنها از دست می دهند.

از بین رفتن انسانیت آنان در زندگیشان فاجعه ای است که علاوه بر آسیبهای جدی که به دیگران می زند خود شان در زندگی شخصی هم دچار تناقض هستند، اما به دلیل اتکاء به مذهب تمام این اعمال را توجیه می کند. بلایی که مذهب و اعتقادات عقب مانده به سر کودکان می آورد علاوه بر این که کودکی، رؤیاهای، جسارت و شادابی شان را می گیرد.

آنها را به افرادی متعصب و غیر قابل انعطاف تبدیل می کند که برای اعتقاداتی که در مغزشان رسوب نموده به هرکاری دست می زنند از به زیر تانک انداختن خود مانند حسین فهمیده، بسیجی هائی که در گروههای سازمان یافته به اسم ارشاد و امر به معروف به زنان و دختران و جوانان حمله می کنند و کودکان و نوجوانانی که تفریح و بازی شان حضور در اردوهای زیارتی و جمکران عاشورا و مراسم افطاری است و گاهی این آموزشها، کودکی فرد را به یک باره می گیرد.

مانند طباطبائی کودک آخوند که وقتی تکیه برجای آخوندهای پیر می زند، کودکی اش زیر آوار مذهب از بین می رود. اتفاقی که رسانه های حکومت اسلامی با افتخار از آن یاد می کنند. علی رغم تمام این تأثیرات تلخ و سیاهی که مذهب بر زندگی کودکان گذاشته است. خوشبختانه هر روز تعداد افرادی که از مذهب فاصله می گیرند بیشتر می شود. این مسلماً تحت تأثیر جنبش عظیم ضد مذهب در ایران است.

همینطور نقش والدین و معلمان آگاه و مسؤول بسیار مهم است. در دسترس بودن وسایل ارتباط جمعی مانند، ماهواره، اینترنت، فیس بوک نیز به افزایش آگاهی کمک زیادی کرده است.

اما به طور جدی خود حکومت اسلامی با روی کار آوردن حکومت مذهبی و تحمیل آن به مردم و نشان دادن چهره واقعی مذهب باعث متلاشی شدن آن از درون شده است.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۳